



ملاصدرا نفس انساني را مانند جهان هستي می داند/ مراتب سه گانه نفس انسان

یک عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم قم گفت: به نظر ملاصدرا، تعلق نفس به بدن از نوع تعلق به لحاظ وجود...

یک عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم قم گفت: به نظر ملاصدرا، تعلق نفس به بدن از نوع تعلق به لحاظ وجود و تشخص است به گونه‌ای که "نفس" در پیدایش به "بدن" نیازمند است ولی در بقائش نیازی به آن ندارد.

حجت الاسلام دکتر محمدتقی یوسفی در گفت و گو با خبرنگار مهر با ارائه تحلیلی از نظریه ملاصدرا درباره رابطه نفس و بدن، اظهار کرد: ملاصدرا به عکس مشائین که نفس انسانی را از ابتدا مجرد می‌دانند و به رابطه انضمامی و عرضی نفس و بدن قائلند به رابطه ذاتی و اتحادی نفس و بدن باور دارد.

وی خاطرنشان کرد: ملاصدرا نفس را در حدوثش، جسمانی می‌داند که به تدریج به سمت تجرد پیش می‌رود، بر این اساس نفس ابتدا مادی محض است (نامی) سپس مادی-مثالی (نامی حساس متحرک بالاراده) می‌شود و ممکن است به مرتبه مادی مثالی عقلی هم نایل شود؛ سپس با حدوث مرگ، تجرد یافته، روحانی و مجرد محض خواهد شد.

این پژوهشگر فلسفه توجیه عقلانی ملاصدرا بر چنین باوری را پذیرش اشتداد در وجود و تحقق حرکت جوهری اشتدادی در نفس، عنوان کرد و بیان داشت: بر این اساس فرد ضمن حفظ مراتب پیشین به ساحت تجرد راه می‌یابد و حتی پس از نایل به ساحت تجردی، ساحت مادی را از دست نمی‌دهد، از این رو می‌تواند به حرکت خویش ادامه دهد. بازتاب طبیعی رابطه اتحادی نفس و بدن، و وجود دو ساحت مادی و تجردی در نفس، نظریه وحدت نفس و قوا است، بنابراین همه قوای مادی (نباتی و مجرد حیوانی و انسانی)، خود نفس‌اند و به بیان دقیق‌تر مراتب و شئون نفس‌اند. به گونه‌ای نفس در مرتبه قوای نباتی مادی و در مرتبه قوای حیوانی مجرد مثالی و در مرتبه قوای عقلی مجرد عقلی است.

عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم قم با تشریح بیشتر نظریه ملاصدرا درباره رابطه نفس و بدن، افزود: ملاصدرا در ارائه دیدگاه خویش از اصول فلسفی عامی همچون اصالت و تشکیک وجود، حرکت جوهری و در نهایت ترکیب اتحادی ماده و صورت بهره می‌گیرد. وی حقیقت نفس را حقیقت تعلقی و عین اضافه به بدن می‌داند؛ به گونه‌ای که به هیچ وجه نمی‌توان برای نفس هویتی غیر از اضافه آن به بدن در نظر گرفت، هویتی که خالی از جنبه نفسانیت و تعلق به جسم باشد.

وی ادامه داد: ملاصدرا به عکس مشائین، نفس را در حدوثش، جسمانی و مادی می‌داند و امکان تجرد آن را در زمان حدوث عقلا منتفی می‌داند؛ وی ترکیب نفس و بدن را بسان ترکیب ماده و صورت، اتحادی می‌داند؛ بر این اساس نفس صورت بدن و در واقع صورت نوعیه است؛ و به این لحاظ نحوه وجود بدن و تمام بدن است که با آن ماهیت نوعی انسان را می‌سازد؛ با این حساب بدن ماده نفس و علت قابل نوع انسانی است.

این استاد دانشگاه در ادامه با بیان این که ملاصدرا با بیان انواع تعلق به تبیین جایگاه رابطه نفس و بدن می‌پردازد، گفت: به نظر او تعلق نفس به بدن از نوع تعلق به لحاظ وجود و تشخص است به گونه‌ای که "نفس" در پیدایش به "بدن" نیازمند است، ولی در بقائش نیازی به آن ندارد هر چند ممکن است پس از حدوث هم، زمان کوتاه یا مدیدی همراه آن باشد اما برای باقی ماندنش به آن نیازی ندارد.

یوسفی یادآور شد: ملاصدرا تصرف چیزی در دیگری را به ذاتی (طبیعی) و یا عرضی (صناعی) تقسیم می‌کند و تصرف نفس در بدن را از نوع اول می‌داند؛ بر این اساس بدن تنها شرط تصرف نفس نیست بلکه علاوه بر آن شرط وجود نفس است.

عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم قم همچنین با اشاره به این که به نظر ملاصدرا نفس در ابتدا جسمانی و مادی محض است ولی تدریجاً به سمت تجرد پیش می‌رود، تصریح کرد: به عبارتی دیگر نفس ابتدا مادی محض است (نامی) سپس مادی-مثالی (نامی حساس متحرک بالاراده) می‌شود و ممکن است به مرتبه مادی مثالی عقلی هم نایل شود، زیرا نایل به تجرد عقلی در همگان اتفاق نمی‌افتد بلکه در افراد نادری روی می‌دهد به این صورت که همان نفس مادی مثالی در ادامه وجود خود، مادی مثالی عقلی می‌شود و با مرگ تجرد یافته، روحانی و مجرد محض خواهد شد.

این استاد فلسفه در پاسخ به این اشکال که "چگونه ممکن است نفس مادی به آستان تجرد باریابد"، گفت: با تفکیک وجود از ماهیت و پذیرش اشتداد در وجود مشکل حل و فصل می‌شود. بر این اساس نفس با حرکت جوهری غیر امتدادی اشتدادی یا توسعی - که به اختصار به آن، حرکت جوهری اشتدادی می‌گویند - ضمن حفظ مراتب پیشین به مرتبه و ساحت برتر یعنی تجرد می‌رسد. به اعتقاد ملاصدرا نفس پس از نایل به ساحت تجردی نیز، می‌تواند به حرکت خویش ادامه دهد.

وی همچنین به پاسخ ملاصدرا در باره این پرسش که "وقوع حرکت در نفس چگونه با تجردش سازگار است" اشاره کرد و گفت: ملاصدرا برای حل این پرسش دو راه حل ارائه می‌دهد؛ ابتدا با تعیین محدوده برهان قوه و فعل به مواردی که کمال واحد در کار باشد و یا اگر پای کمالات گوناگون در کار است در یک نشئه باشند، مانع جریان آن در مجردات می‌شود سپس به جواب دیگری روی می‌آورد و آن اینکه وجود ساحت مادی برای نفس، مجوز وقوع حرکت در آن است. با این حساب حرکت نفس را می‌توان به جنبه مادی و جسمانی آن نسبت داد.

این محقق و پژوهشگر فلسفه اضافه کرد: ملاصدرا با این پاسخ با مشکل جدی‌تری مواجه می‌شود و آن این که چگونه ممکن

است موجود واحد، هم مادی باشد هم مجرد؛ از این رو باید چاره‌ای بیندیشد؛ وی در راهکاری که ارائه می‌دهد، از اصالت وجود، تشکیک وجود و پذیرش اشتداد در وجود یا همان حرکت اشتدادی و اعتقاد به تعدد ساحت‌های گوناگون برای نفس، از پرسش مورد نظر پاسخ می‌دهد. بر این اساس نفس هم می‌تواند از مرتبه نازله مادی برخوردار باشد هم از مرتبه عالیه مجرد عقلي و هم از مرتبه میانی مجرد مثالی.

یوسفی خاطرنشان کرد: بر این اساس نفس واقعیته واحد دارای مراتب است؛ مراتبی که از راه تشکیک تفاضلی برای او حاصل است به گونه‌ای که هر مرتبه از آن حکم ویژه‌ای دارد؛ از این روی می‌توان گفت، ترکیب اتحادی نفس و بدن تنها منحصر به زمان مادیت نفس نیست بلکه نفس حتی پس از نیل به بالاترین مقام تجردی نیز صورت بدن است و بین او و بدن ترکیب اتحادی برقرار است مگر زمانی که به مجرد محض برسد و ساحت مادی را به کلی رها کند.

وی با بیان این که بازتاب طبیعی رابطه اتحادی نفس و بدن و بهره نفس از ساحت مادی و تجردی، نظریه وحدت نفس و قوا است، گفت: ملاصدرا قوای نفس را عین وجود نفس موجود می‌داند و نفس را عین قوا می‌داند. بنابر این همه قوای مادی و مجرد، یعنی قوای نباتی، حیوانی و انسانی، همه خود نفس‌اند و به بیان دقیق‌تر، مراتب و شئون نفس‌اند به گونه‌ای نفس در مرتبه قوای نباتی مادی و در مرتبه قوای حیوانی مجرد مثالی و در مرتبه قوای عقلي مجرد عقلي است. این نظریه به دیدگاه وحدت در کثرت و کثرت در وحدت نیز مشهور است.

این استاد دانشگاه همچنین به دیدگاه ملاصدرا در بحث تأثیر و تأثر دوجانبه نفس و بدن پرداخت و افزود: در نگاه او نفس حقیقتی ذو مراتب است که بدن، مرتبه نازله آن است؛ بر این اساس هرگونه فعل و انفعالی در هر مرتبه که باشد با فعل و انفعال در مراتب بالاتر و پایین تر رابطه دارد، از این رو همه مراتب نفس حتی مراتب بالای آن نیز با فعل و انفعال مرتبه نازله یعنی بدن در ارتباط‌اند؛ بنابراین مرتبه پایین تر هم چنان که در مرتبه بالاتر تأثیر می‌کند از آن متأثر هم می‌شود و مرتبه بالاتر نیز در عین تأثیر در مرتبه پایین تر، از آن متأثر می‌شود.

یوسفی گفت: در نگاه ملاصدرا نفس انسانی بسان جهان هستی است؛ جهانی که با وجود وحدت شخصیه‌ای که دارد، دارای سه مرتبه اصلی "عالم عقل، عالم مثال یا خیال منفصل و در نهایت عالم ماده" است که هر یک دارای مراتب گوناگونی در درون خویش هستند؛ از این رو همه این سه مرتبه در انسان وجود دارند.

عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم قم با بیان این که بر این اساس ملاصدرا نفس انسانی را نیز برخوردار از سه نشأه می‌داند، یادآور شد: نشأه اول؛ ماده و طبیعت که به این لحاظ آن را انسان بشری می‌نامد. نشأه دوم خیال که به این لحاظ آن را انسان نفسی و یا انسان دوم نام می‌نهد. نشأه سوم؛ عقل که به این لحاظ آن را انسان عقلي یا انسان سوم می‌داند. بر این اساس نفسی که بتواند در سیر صعودیش همه مراتب را با حرکت جوهری اشتدادی درنوردد، جهان کوچکی است. بسان جهان خارجی، که به نحه جمع، «واحد همه مراتب هست، است».

این پژوهشگر فلسفه اسلامی در پایان خاطرنشان کرد: ملاصدرا با بهره‌گیری از مثال، نفس انسانی را به نور و بدن را به سایه آن مثل می‌زند؛ هم چنان که نفس را به آتش و بدن را به دودش و در تمثیلی دیگر بدن را به عکس در آینه و نفس را به شخص و صاحب عکس مثل می‌زند